

سرمقاله
بنزین؛ مسئله‌ای که با سهمیه‌بندی حل نمی‌شود
ادامه از صفحه یک در این میان، اختصاص یارانه بنزین به «فرد» به جای «خودرو» می‌تواند از نظر عدالت اجتماعی قابل دفاع باشد؛ چراکه فرد فاقد خودرو نیز باید از ثروت و یارانه عمومی کشور سهم داشته باشد. اما این طرح باید با شفافیت کامل و بدون ایجاد رانت و بازارهای غیرشفاف اجرا شود. دولت باید بداند که مسئله بنزین را نمی‌توان فقط پشت جایگاه‌های سوخت حل کرد؛ این مسئله در خیابان‌های پرترافیک، خودروهای فرسوده، کارخانه‌های کم‌بازده و شبکه حمل‌ونقل ناکارآمد ریشه دارد. بنابراین به جای تصمیم‌های مقطعی و شوکا‌آور، کشور نیازمند یک نقشه راه ملی برای اصلاح مصرف انرژی است؛ نقشه‌ای که همزمان منافع دولت، مردم و اقتصاد ملی را در نظر بگیرد. بنزین را نباید فقط مدیریت کرد؛ باید اقتصاد انرژی ایران را اصلاح کرد. بنزین در ایران دیگر فقط یک کالای اقتصادی نیست؛ یک موضوع اجتماعی و حتی سیاسی است. از همین رو تصمیم‌گیری درباره آن نیازمند بیش از یک فرمول اقتصادی است. بنابراین دولت پیش از اجرای هر سناریویی باید صریح و روشن به چند پرسش پاسخ دهد: یارانه بنزین دقیقاً چقدر است؟ چه کسانی امروز بیشتر از این یارانه استفاده می‌کنند؟ در صورت اصلاح نظام سهمیه‌بندی، منابع آزادشده کجا هزینه خواهد شد؟ سهم مردم از این اصلاحات چیست؟ و مهم‌تر از همه، دولت چه تضمینی می‌دهد که اصلاح قیمت بنزین به یک زنجیره جدید از افزایش قیمت‌ها تبدیل نشود؟

خبر
مجید انصاری: پیگیری حقوقی خسارات تا احقاق حقوق کشور ادامه دارد  معاون حقوقی رئیس‌جمهور با بیان پیگیری حقوقی خسارات تا احقاق حقوق کشور ادامه دارد، گفت: امیدواریم مجموعه مستندسازی‌ها، گزارش‌های کارشناسی و اقدامات حقوقی انجام‌شده در نهایت به صدور احکام مناسب، جبران خسارات و استیفای حقوق کشور، خانواده‌های شهدا، جانبازان و سایر آسیب‌دیدگان منجر شود. به گزارش ایسنا، نشست مشترک معاونت حقوقی رئیس‌جمهور و مرکز وکلای کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه با محوریت مستندسازی حقوقی و کارشناسی خسارات و تقویت هماهنگی در پیگیری دعای داخلی و بین‌المللی برگزار شد. این نشست با حضور حاجت‌الاسلام و المسلمین مجید انصاری معاون حقوقی رئیس‌جمهور، دکتر توکل حبیب‌زاده رئیس مرکز امور حقوقی بین‌المللی، دکتر محمود صابر معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی امور حقوقی دستگاه‌های اجرایی و جمعی از مدیران معاونت حقوقی رئیس‌جمهور و همچنین دکتر عبدلیان‌پور رئیس مرکز وکلای کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه، معاونان و مدیران این مرکز برگزار شد. انصاری در این نشست ضمن قدرانی از اقدامات انجام‌شده در زمینه مستندسازی خسارات و پیگیری‌های حقوقی، تأکید کرد که اقدامات حقوقی برخلاف برخی اقدامات میدانی، ممکن است آثار و نتایج خود را در کوتاه‌مدت نشان ندهد، اما از ماندگاری و اهمیت بالایی برخوردار است و می‌تواند وقایع و خسارات وارنده را در زیان حقوقی ثبت و برای پیگیری در مراجع ذی‌صلاح تثبیت کند. وی با بیان اینکه این مسیر باید تا حصول نتیجه ادامه یابد، اظهار داشت: امیدواریم مجموعه مستندسازی‌ها، گزارش‌های کارشناسی و اقدامات حقوقی انجام‌شده در نهایت به صدور احکام مناسب، جبران خسارات و استیفای حقوق کشور، خانواده‌های شهدا، جانبازان و سایر آسیب‌دیدگان منجر شود. به گفته وی، دشواری و زمان‌بر بودن پیگیری‌های حقوقی به معنای کنار گذاشتن این مسیر نیست و این اقدامات باید با جدیت در سطوح داخلی و بین‌المللی دنبال شود. معاون حقوقی رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت عبور از مرحله صرف گردآوری و مستندسازی و ورود به مرحله اقدام حقوقی تأکید کرد و گفت گزارش‌های کارشناسی و تحلیل‌های تهیه‌شده زمانی به نتیجه مطلوب می‌رسند که مبنای طرح دعوا، پیگیری پرونده‌ها و اقدامات عملی حقوقی قرار گیرند. وی در همین زمینه، استفاده از ظرفیت آرای محاکم داخلی و پیگیری پرونده‌ها در شعب تخصصی از جمله شعبه ۵۵ را از ابزارهای مؤثر در تکمیل این فرآیند دانست. انصاری همچنین بر ضرورت ایجاد هماهنگی و تقسیم کار مشخص میان مجموعه‌های مسئول تأکید کرد و خواستار استمرار همکاری نزدیک میان معاونت حقوقی رئیس‌جمهور، وزارت امور خارجه، وزارت دادگستری و مرکز وکلای کارشناسان رسمی شد. وی تأکید کرد که مدیریت منسجم دعای و پرهیز از موازی‌کاری می‌تواند ظرفیت‌های موجود را به اقدامی مؤثرتر در عرصه داخلی و بین‌المللی تبدیل کند.

حالا این پیمان در شرایطی شکل گرفته که معادلات امنیتی خاورمیانه با تنش‌های فزاینده رویه‌روست و کشورهای منطقه پیش از گذشته به دنبال تقویت ظرفیت‌های دفاعی و کاهش وابستگی خود به تضمین‌های امنیتی قدرت‌های خارجی هستند. چرا که معقدند در جنگ امریکا علیه ایران، واشنگتن تقریباً آن‌ها را به حال خود رها کرد. حالا در این میان، ترکیب سه عضو پیمان نیز قابل توجه است: عربستان با منابع مالی و جایگاه مهم خود در بازار انرژی، پاکستان با توان نظامی و بازدارندگی هسته‌ای و ترکیه با توان نظامی، صنایع دفاعی، عضویت در ناتو و موقعیت ژئوپلیتیکی خود، مجموعه‌ای متفاوت از ظرفیت‌های امنیتی را در کنار یکدیگر قرار می‌دهند.

با وجود شباهت اصل «دفاع جمعی» به ماده ۵ ناتو، این توافق را نمی‌توان به سادگی «ناتوی خاورمیانه» دانست؛ چرا که جزئیات تعهدات عملیاتی و سازوکارهای اجرای آن هنوز محدود است و میزان آمادگی اعضا برای ورود مستقیم به درگیری‌های نظامی همچنان محل بحث است.

اهمیت پیمان مکه اما فقط به مفاد نظامی آن محدود نمی‌شود. حضور همزمان عربستان، پاکستان و ترکیه می‌تواند نشانه‌ای از تلاش برای شکل دادن به ترتیبات امنیتی جدید در منطقه باشد؛ ترتیباتی که در صورت گسترش همکاری‌های دفاعی، اطلاعاتی و امنیتی، ممکن است بر موازنه قدرت و محاسبات سایر بازیگران منطقه، از جمله ایران، اثر بگذارد. به همین دلیل، این پرسش مطرح است که پیمان مکه صرفاً یک توافق دفاعی برای افزایش بازدارندگی اعضاست یا می‌تواند به بخشی از معماری جدید امنیتی و حتی اقتصادی منطقه تبدیل شود.

در همین زمینه، با دکتر علیرضا سلطانی، کارشناس بین‌الملل و استاد دانشگاه درباره ماهیت این پیمان، اهداف سه کشور، نقش اسرائیل و موضع اسرائیل، پیامدهای آن برای ایران و احتمال تأثیرگذاری این توافق بر آینده نظم امنیتی منطقه گفت‌وگو کردیم که در ادامه مشروح آن را می‌خوانیم:

*** برخی جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای در ایران پیمان مکه را توافقی کم‌اهمیت و حتی «طبل توخالی دیپلماتیک» می‌انند، در حالی که برخی دیگر آن را لازمی به سوی شکل‌گیری یک ائتلاف نظامی منطقه‌ای ارزی می‌کنند. این پیمان در واقع چه ماهیتی دارد و آیا باید آن را یک توافق سیاسی دانست یا ترتیبی با کارکرد واقعی بازدارندگی نظامی؟

به نظر من این تعبیر نوعی ساده‌سازی موضوع است. پیمان مکه نه «ناتوی جدید» است و نه یک توافق بی‌اهمیت و صرفاً تبلیغاتی. این پیمان در واقع یک ائتلاف سیاسی با کارکرد بازدارنده نظامی است. نکته مهم این است که سیاسی بودن یک توافق الزاماً به معنای فاقد اثر نظامی بودن آن نیست. اگر این همکاری در حوزه‌های دفاعی، اطلاعاتی، رزمایش‌های مشترک، سامانه‌های دفاعی و هماهنگی‌های امنیتی توسعه پیدا کند، به تدریج ظرفیت بازدارندگی واقعی ایجاد خواهد شد. بنابراین، کوچک‌نمایی این پیمان به همان اندازه می‌تواند اشتباه باشد که آن را یک ائتلاف نظامی مشابه ناتو تصور کنیم.

*** اگر پیمان سه‌جانبه رسماً علیه کشور مشخصی نیست، چه تهدید یا دغدغه امنیتی مشترکی سه کشور را به سمت این همکاری سوق داده است؟ آیا می‌توان میان «مخاطب رسمی» پیمان و «کارکرد واقعی» آن در معادلات امنیتی منطقه تفاوت قائل شد و در این چارچوب، نقش ایران در محاسبات امنیتی عربستان را چگونه باید دید؟

باید میان «مخاطب رسمی» و «کارکرد واقعی» تفاوت قائل شد. مکتب است ایران در متن توافق به عنوان دشمن یا مخاطب معرفی نشده باشد، اما نمی‌توان نقش ایران را در محاسبات امنیتی عربستان نادیده گرفت.

به اعتقاد من، یکی از کارکردهای اصلی این پیمان افزایش هزینه هرگونه اقدام نظامی علیه عربستان است. ریاض با تکیه بر جایگاه خود در بازار انرژی، منابع مالی نفتی و روابط گسترده با قدرت‌های بزرگ، در حال ایجاد یک لایه امنیتی جدید پیرامون خود است. حضور پاکستان و ترکیه نیز به این ساختار ظرفیت نظامی و سیاسی بیشتری می‌دهد. بنابراین، اینکه بگوییم پیمان رسماً علیه ایران است شاید از نظر حقوقی دقیق نباشد، اما نادیده گرفتن آثار آن بر محاسبات امنیتی ایران نیز ساده‌انگارانه است.

بازدارندگی الزاماً با اعلام یک دشمن مشخص تعریف نمی‌شود

در واقع، باید توجه داشت که بازدارندگی الزاماً با اعلام یک دشمن مشخص تعریف نمی‌شود؛ گاهی خود ایجاد شبکه‌ای از همکاری‌های امنیتی و دفاعی، بدون اشاره مستقیم به یک کشور، می‌تواند محاسبات طرف‌های دیگر را تحت تأثیر قرار دهد.

پیمان مکه؛ «ناتوی جدید» یا آغاز یک بازی امنیتی تازه در منطقه؟

سه‌تفنگ‌دار علیه ایران؟

پیمان دفاع مشترک مکه که ۷ آوت ۲۰۲۶ میان عربستان سعودی، پاکستان و ترکیه در مکه امضا شد، یک توافق دفاعی سه‌جانبه است که بر اساس آن حمله مسلحانه به هر یک از اعضا، حمله به همه اعضا تلقی می‌شود. مقام‌های سه کشور تأکید کرده‌اند که این توافق ماهیتی دفاعی دارد و علیه کشور مشخصی تنظیم نشده است. این در حالی است که ایران در پاسخ به حملات آمریکا به ایران در جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه اهداف ایالات متحده را در کشورهای حاشیه خلیج فارس هدف گرفت.



آینده با روندهایی مانند پیمان ابراهیم پیوند بخورد؛ در مقابل، کشورهای عربی خلیج فارس که عضو این توافق نیستند چه نگاهی به چنین ترتیباتی دارند؟ اسرائیل در شرایط فعلی طبیعتاً از هرگونه ائتلاف یا ترتیبات منطقه‌ای که بتواند ظرفیت‌های ایران را محدود کند، استقبال خواهد کرد؛ هرچند بعید است این حمایت را به شکل رسمی و مستقیم اعلام کند.

در عین حال، به نظر می‌رسد اسرائیل تلاش خواهد کرد چنین ترتیباتی را به روندهای گسترده‌تر منطقه‌ای، از جمله پیمان ابراهیم، نزدیک کند. ایجاد شبکه‌ای از روابط امنیتی، اقتصادی و سیاسی میان کشورهای عربی، ترکیه و دیگر بازیگران منطقه‌ای ایران منظر اسرائیل به کاهش قدرت مانور منطقه‌ای ایران کمک کند. این رویکرد طبیعتاً با نگاه دولت آمریکا و شخص ترامپ به ایجاد یک ساختار جدید منطقه‌ای نیز همخوانی دارد.

در مورد کشورهای منطقه، به‌خصوص کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، بسیاری از آنها بیش از هر چیز از ترتیباتی استقبال می‌کنند که احتمال گسترش جنگ را کاهش دهد. تجربه سال‌های اخیر نشان داده

است که کشورهای منطقه دیگر نمی‌خواهند صرفاً به حمایت قدرت‌های خارجی متکی باشند و به دنبال ایجاد ظرفیت‌های امنیتی درون‌منطقه‌ای هستند.

بنابراین، حتی کشورهای که مستقیماً عضو پیمان نیستند، ممکن است از تقویت چنین چارچوب‌هایی استقبال کنند؛ البته تا زمانی که این ترتیبات به یک ائتلاف تهاجمی و عامل افزایش تنش تبدیل نشود.

این پیمان ناتوی جدید نیست، اما می‌تواند به بازآرایی ساختار نظامی و امنیتی منطقه منجر شود

اگر همکاری میان عربستان، پاکستان و ترکیه در سال‌های آینده نهادینه شود، آیا پیمان مکه می‌تواند از یک توافق سه‌جانبه به بخشی از معماری جدید امنیتی منطقه تبدیل شود؟ ترکیب منابع مالی عربستان، توان نظامی پاکستان و ظرفیت ژئوپلیتیکی ترکیه چه تغییری در موازنه منطقه‌ای ایجاد می‌کند و آیا پیامدهای آن صرفاً امنیتی خواهد بود یا به حوزه انرژی، تجارت و کریدورهای ترانزیتی نیز کشیده می‌شود؟

به نظر من این مهم‌ترین بخش ماجراست. اگر این توافق در سال‌های آینده نهادینه شود، می‌تواند از یک توافق سه‌جانبه به بخشی از معماری جدید امنیتی خلیج فارس تبدیل شود.

ترکیب منابع مالی عربستان، توان نظامی پاکستان و ظرفیت نظامی و ژئوپلیتیکی ترکیه، مجموعه‌ای ایجاد می‌کند که می‌تواند بر محاسبات سایر بازیگران منطقه تأثیر بگذارد. این به معنای ایجاد یک ناتوی جدید نیست، اما می‌تواند یک لایه جدید بازدارندگی ایجاد کند و در نهایت به بازآرایی ساختار نظامی و امنیتی منطقه منجر شود.

اما این بازآرایی صرفاً نظامی و امنیتی نخواهد بود. امنیت، انرژی، تجارت و کریدورهای ترانزیتی از یکدیگر جدا نیستند. از ترتیبات امنیتی جدید با ایجاد مسیرهای تجاری و انرژی جدید همراه شود، وزن ژئوپلیتیکی برخی مسیرهای سنتی تغییر خواهد کرد.

کرده است بخشی از مسئولیت تأمین امنیت منطقه را به خود کشورهای منطقه منتقل کند.

اما نکته مهم‌تر این است که پیمان مکه را نباید صرفاً یک پیمان منطقه‌ای میان سه کشور در نظر گرفت.

به نظر می‌رسد نوعی اراده و زمینه بین‌المللی نیز پشت شکل‌گیری چنین ترتیباتی وجود دارد؛ اراده‌ای که می‌خواهد ساختار امنیتی خلیج فارس را با نظام بین‌المللی در حال شکل‌گیری هماهنگ کند.

کرد چنین ترتیباتی را به روندهای گسترده‌تر منطقه‌ای، از جمله پیمان ابراهیم، نزدیک کند. ایجاد شبکه‌ای از روابط امنیتی، اقتصادی و سیاسی میان کشورهای عربی، ترکیه و دیگر بازیگران منطقه‌ای ایران منظر اسرائیل به کاهش قدرت مانور منطقه‌ای ایران کمک کند. این رویکرد طبیعتاً با نگاه دولت آمریکا و شخص ترامپ به ایجاد یک ساختار جدید منطقه‌ای نیز همخوانی دارد.

در مورد کشورهای منطقه، به‌خصوص کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، بسیاری از آنها بیش از هر چیز از ترتیباتی استقبال می‌کنند که احتمال گسترش جنگ را کاهش دهد. تجربه سال‌های اخیر نشان داده

است که کشورهای منطقه دیگر نمی‌خواهند صرفاً به حمایت قدرت‌های خارجی متکی باشند و به دنبال ایجاد

ظرفیت‌های امنیتی درون‌منطقه‌ای هستند.

بنابراین، حتی کشورهای که مستقیماً عضو پیمان نیستند، ممکن است از تقویت چنین چارچوب‌هایی استقبال کنند؛ البته تا زمانی که این ترتیبات به یک ائتلاف تهاجمی و عامل افزایش تنش تبدیل نشود.

این پیمان ناتوی جدید نیست، اما می‌تواند به بازآرایی ساختار نظامی و امنیتی منطقه منجر شود

اگر همکاری میان عربستان، پاکستان و ترکیه در سال‌های آینده نهادینه شود، آیا پیمان مکه می‌تواند از یک توافق سه‌جانبه به بخشی از معماری جدید امنیتی منطقه تبدیل شود؟ ترکیب منابع مالی عربستان، توان نظامی پاکستان و ظرفیت ژئوپلیتیکی ترکیه، مجموعه‌ای ایجاد می‌کند که می‌تواند بر محاسبات سایر بازیگران منطقه تأثیر بگذارد. این به معنای ایجاد یک ناتوی جدید نیست، اما می‌تواند یک لایه جدید بازدارندگی ایجاد کند و در نهایت به بازآرایی ساختار نظامی و امنیتی منطقه منجر شود.

اما این بازآرایی صرفاً نظامی و امنیتی نخواهد بود. امنیت، انرژی، تجارت و کریدورهای ترانزیتی از یکدیگر جدا نیستند. از ترتیبات امنیتی جدید با ایجاد مسیرهای تجاری و انرژی جدید همراه شود، وزن ژئوپلیتیکی برخی مسیرهای سنتی تغییر خواهد کرد.

اگر همکاری میان عربستان، پاکستان و ترکیه در سال‌های آینده نهادینه شود، آیا پیمان مکه می‌تواند از یک توافق سه‌جانبه به بخشی از معماری جدید امنیتی منطقه تبدیل شود؟ ترکیب منابع مالی عربستان، توان نظامی پاکستان و ظرفیت ژئوپلیتیکی ترکیه، مجموعه‌ای ایجاد می‌کند که می‌تواند بر محاسبات سایر بازیگران منطقه تأثیر بگذارد. این به معنای ایجاد یک ناتوی جدید نیست، اما می‌تواند یک لایه جدید بازدارندگی ایجاد کند و در نهایت به بازآرایی ساختار نظامی و امنیتی منطقه منجر شود.

اما این بازآرایی صرفاً نظامی و امنیتی نخواهد بود. امنیت، انرژی، تجارت و کریدورهای ترانزیتی از یکدیگر جدا نیستند. از ترتیبات امنیتی جدید با ایجاد مسیرهای تجاری و انرژی جدید همراه شود، وزن ژئوپلیتیکی برخی مسیرهای سنتی تغییر خواهد کرد.

اگر همکاری میان عربستان، پاکستان و ترکیه در سال‌های آینده نهادینه شود، آیا پیمان مکه می‌تواند از یک توافق سه‌جانبه به بخشی از معماری جدید امنیتی منطقه تبدیل شود؟ ترکیب منابع مالی عربستان، توان نظامی پاکستان و ظرفیت ژئوپلیتیکی ترکیه، مجموعه‌ای ایجاد می‌کند که می‌تواند بر محاسبات سایر بازیگران منطقه تأثیر بگذارد. این به معنای ایجاد یک ناتوی جدید نیست، اما می‌تواند یک لایه جدید بازدارندگی ایجاد کند و در نهایت به بازآرایی ساختار نظامی و امنیتی منطقه منجر شود.

اما این بازآرایی صرفاً نظامی و امنیتی نخواهد بود. امنیت، انرژی، تجارت و کریدورهای ترانزیتی از یکدیگر جدا نیستند. از ترتیبات امنیتی جدید با ایجاد مسیرهای تجاری و انرژی جدید همراه شود، وزن ژئوپلیتیکی برخی مسیرهای سنتی تغییر خواهد کرد.

اگر همکاری میان عربستان، پاکستان و ترکیه در سال‌های آینده نهادینه شود، آیا پیمان مکه می‌تواند از یک توافق سه‌جانبه به بخشی از معماری جدید امنیتی منطقه تبدیل شود؟ ترکیب منابع مالی عربستان، توان نظامی پاکستان و ظرفیت ژئوپلیتیکی ترکیه، مجموعه‌ای ایجاد می‌کند که می‌تواند بر محاسبات سایر بازیگران منطقه تأثیر بگذارد. این به معنای ایجاد یک ناتوی جدید نیست، اما می‌تواند یک لایه جدید بازدارندگی ایجاد کند و در نهایت به بازآرایی ساختار نظامی و امنیتی منطقه منجر شود.

اما این بازآرایی صرفاً نظامی و امنیتی نخواهد بود. امنیت، انرژی، تجارت و کریدورهای ترانزیتی از یکدیگر جدا نیستند. از ترتیبات امنیتی جدید با ایجاد مسیرهای تجاری و انرژی جدید همراه شود، وزن ژئوپلیتیکی برخی مسیرهای سنتی تغییر خواهد کرد.

اما این بازآرایی صرفاً نظامی و امنیتی نخواهد بود. امنیت، انرژی، تجارت و کریدورهای ترانزیتی از یکدیگر جدا نیستند. از ترتیبات امنیتی جدید با ایجاد مسیرهای تجاری و انرژی جدید همراه شود، وزن ژئوپلیتیکی برخی مسیرهای سنتی تغییر خواهد کرد.

اما این بازآرایی صرفاً نظامی و امنیتی نخواهد بود. امنیت، انرژی، تجارت و کریدورهای ترانزیتی از یکدیگر جدا نیستند. از ترتیبات امنیتی جدید با ایجاد مسیرهای تجاری و انرژی جدید همراه شود، وزن ژئوپلیتیکی برخی مسیرهای سنتی تغییر خواهد کرد.

اما این بازآرایی صرفاً نظامی و امنیتی نخواهد بود. امنیت، انرژی، تجارت و کریدورهای ترانزیتی از یکدیگر جدا نیستند. از ترتیبات امنیتی جدید با ایجاد مسیرهای تجاری و انرژی جدید همراه شود، وزن ژئوپلیتیکی برخی مسیرهای سنتی تغییر خواهد کرد.

اما این بازآرایی صرفاً نظامی و امنیتی نخواهد بود. امنیت، انرژی، تجارت و کریدورهای ترانزیتی از یکدیگر جدا نیستند. از ترتیبات امنیتی جدید با ایجاد مسیرهای تجاری و انرژی جدید همراه شود، وزن ژئوپلیتیکی برخی مسیرهای سنتی تغییر خواهد کرد.

اما این بازآرایی صرفاً نظامی و امنیتی نخواهد بود. امنیت، انرژی، تجارت و کریدورهای ترانزیتی از یکدیگر جدا نیستند. از ترتیبات امنیتی جدید با ایجاد مسیرهای تجاری و انرژی جدید همراه شود، وزن ژئوپلیتیکی برخی مسیرهای سنتی تغییر خواهد کرد.

اما این بازآرایی صرفاً نظامی و امنیتی نخواهد بود. امنیت، انرژی، تجارت و کریدورهای ترانزیتی از یکدیگر جدا نیستند. از ترتیبات امنیتی جدید با ایجاد مسیرهای تجاری و انرژی جدید همراه شود، وزن ژئوپلیتیکی برخی مسیرهای سنتی تغییر خواهد کرد.

اما این بازآرایی صرفاً نظامی و امنیتی نخواهد بود. امنیت، انرژی، تجارت و کریدورهای ترانزیتی از یکدیگر جدا نیستند. از ترتیبات امنیتی جدید با ایجاد مسیرهای تجاری و انرژی جدید همراه شود، وزن ژئوپلیتیکی برخی مسیرهای سنتی تغییر خواهد کرد.

اما این بازآرایی صرفاً نظامی و امنیتی نخواهد بود. امنیت، انرژی، تجارت و کریدورهای ترانزیتی از یکدیگر جدا نیستند. از ترتیبات امنیتی جدید با ایجاد مسیرهای تجاری و انرژی جدید همراه شود، وزن ژئوپلیتیکی برخی مسیرهای سنتی تغییر خواهد کرد.

اما این بازآرایی صرفاً نظامی و امنیتی نخواهد بود. امنیت، انرژی، تجارت و کریدورهای ترانزیتی از یکدیگر جدا نیستند. از ترتیبات امنیتی جدید با ایجاد مسیرهای تجاری و انرژی جدید همراه شود، وزن ژئوپلیتیکی برخی مسیرهای سنتی تغییر خواهد کرد.

اما این بازآرایی صرفاً نظامی و امنیتی نخواهد بود. امنیت، انرژی، تجارت و کریدورهای ترانزیتی از یکدیگر جدا نیستند. از ترتیبات امنیتی جدید با ایجاد مسیرهای تجاری و انرژی جدید همراه شود، وزن ژئوپلیتیکی برخی مسیرهای سنتی تغییر خواهد کرد.

اما این بازآرایی صرفاً نظامی و امنیتی نخواهد بود. امنیت، انرژی، تجارت و کریدورهای ترانزیتی از یکدیگر جدا نیستند. از ترتیبات امنیتی جدید با ایجاد مسیرهای تجاری و انرژی جدید همراه شود، وزن ژئوپلیتیکی برخی مسیرهای سنتی تغییر خواهد کرد.

اما این بازآرایی صرفاً نظامی و امنیتی نخواهد بود. امنیت، انرژی، تجارت و کریدورهای ترانزیتی از یکدیگر جدا نیستند. از ترتیبات امنیتی جدید با ایجاد مسیرهای تجاری و انرژی جدید همراه شود، وزن ژئوپلیتیکی برخی مسیرهای سنتی تغییر خواهد کرد.

اما این بازآرایی صرفاً نظامی و امنیتی نخواهد بود. امنیت، انرژی، تجارت و کریدورهای ترانزیتی از یکدیگر جدا نیستند. از ترتیبات امنیتی جدید با ایجاد مسیرهای تجاری و انرژی جدید همراه شود، وزن ژئوپلیتیکی برخی مسیرهای سنتی تغییر خواهد کرد.

سیاست روز

خبر
پزشکیان: در برابر دشمن وا ندادیم اما برخی بی‌انصافی می‌کنند رئیس‌جمهوری با بیان اینکه توافق نامه پس از بحث‌های کارشناسی عمیق و با منطق تنظیم شده است، تصریح کرد: این توافق‌نامه با عزت، قدرت و با در نظر گرفتن اصولی که رهبری شهید در نظر داشتند پیش رفت. ما در برابر دشمنان وا ندادیم، اما برخی حرف‌هایی می‌زنند که بی‌انصافی است، کنار کود نشستند و می‌گویند لنگش کن. به گزارش ایسنا، مسعود پزشکیان در «سی‌ونهمین اجلاس رؤسای آموزش‌وپرورش سراسر کشور» که امروز ۲۵ مرداد برگزار شد با گرامیداشت یاد و خاطره شهدای دانش‌آموز میناب و رهبر شهید انقلاب، اظهار کرد: رهبر شهید همواره هادی و راهنمای دولت بودند، اما متأسفانه ایشان و دانش‌آموزانمان به دست سفاکان عالم و مدعیان دروغین دموکراسی به شهادت رسیدند. رئیس‌جمهوری با بیان اینکه تمام مدیران، معاونان و معلمان آیت‌دستاران ایران هستند، افزود: اقدامات معلمان و آموزگاران باعث می‌شود آینده ایران ساخته شود. پزشکیان با یادآوری خاطره‌ای از دوره جوانی و حضور در جلسات قرائت قرآن، ادامه داد: پس از اینکه نسبت به مفاهیم آیات قرآن آگاهی عمیقی پیدا کردم به این درک رسیدم ابتدا باید در ذهن فرزندان و انسان اطلاعاتی شکل بگیرد تا بتواند مبتنی بر آن مسیر موفقیت را بییابد. تمامی آیات قرآن مسیر زندگی را به ما می‌آموزد؛ چنانچه مبتنی بر این آموزه‌ها گام برداریم و زندگی کنیم می‌توانیم به بی‌نهایت دست یابیم. به این دلیل که خدایند در اوج خلایقت، علم، زیبایی قرار دارد و هر کس در این مسیر باشد هیچ انتهای را برای رسیدن به اهدافش در نظر نخواهد گرفت. نیاید در دنیا از کسی عقب بمانیم وی با تأکید بر اینکه پذیرش وضع موجود باعث ایستایی و توقف می‌شود به نقد عقب‌ماندگی در ابعاد گوناگون پرداخت و تصریح کرد: در ایران سرمایه‌های فراوانی داریم که اگر به آنها توجه کنیم نباید در دنیا از کسی عقب بمانیم. طبیعتاً برای بهترین شدن باید تلاش و کوشش کرد. ضرورت دارد فضای آموزش‌وپرورش به گونه‌ای باشد تا مفاهیمی همچون عدالت‌جویی، کارآمدی، مهارتی، تقویت روحیه مشارکت جمعی، کار گروهی و بهترین بودن را به دانش‌آموزان بیاموزد. عدالت این نیست به دانش‌آموزانی که خانواده‌ای توانمندی دارند محدود شویم پزشکیان در تشریح مفهوم عدالت آموزشی توجه به تمام اقشار جامعه و به‌طور خاص دانش‌آموزان مناطق محروم گفت: در زمینه توسعه عدالت آموزشی ضرورت دارد حاکمیت به تمام طبقات اجتماعی و اقشار جامعه توجه داشته باشد و نیازهای آنها را ببیند؛ در این صورت است که عدالت به درستی اجرا می‌شود. عدالت این نیست به دانش‌آموزانی که شرایط ویژه و خانواده‌های توانمندی دارند محدود شویم. نیاید در کل کشور کسی را ناامید کنیم رئیس‌جمهوری دستاوردهای موجود در فضای تعلیم و تربیت را شایسته توصیف کرد و کیفیت‌بخشی جامع آموزش‌وپرورش را خواستار شد و اظهار کرد: شما مدیران و معاونان در نظام تعلیم و تربیت جایگاه مؤثری دارید؛ بنابراین تمرکز بر توانمندی حل مسئله، کار تیمی، برقراری ارتباط آسان، ایجاد ساختار آموزشی مبتنی بر کار گروهی را به دانش‌آموزان آموزش دهید. هر دانش‌آموز استعدادی دارد و چنانچه این استعدادها به قالب یک گروه اقدام کنند در زمینه حل مسائل پیروز خواهیم شد. همه با یکدیگر می‌توانیم مملکت خود را آباد کنیم. نباید در کل کشور کسی را ناامید کنیم. نگاه خود را به سمت بهتر شدن و تغییر شرایط تغییر دهیم تا ایرانی سربلند، الهام‌بخش و با عزت داشته باشیم. وی با انتقاد از متکی بودن به نفت، وجود افراد توانمند در مدارس را مهم‌ترین ثروت و سرمایه اجتماعی نامید و یادآور شد: اسرائیل جانیکتار که افرادی از سراسر جهان در آن حضور دارند، کل خاورمیانه را به ناآرامی کشانده است و اقدامات مخرب خود را با پشتیبانی قدرت‌ها انجام می‌دهد. در این شرایط سرمایه‌گذاری علمی و همه‌جانبه بر روی فرزندان و تلاش برای ساختن آینده آنها اقدامی ضروری است. معادن و صنایع انرژی هستند تا در دست تنگیان ما و فرزندان ایران باشند. افتخار اصلی ما نیروی انسانی و فرزندانمان به شمار می‌آید؛ پس در کنار سایر مؤلفه‌هایی که نام برده شد، به دانش‌آموزان خدمت به کشور، زندگی کردن، مسئولیت‌پذیری و باور به اینکه تمام گر‌ها را می‌توان با اتحاد و انسجام گذشود، بیاموزید.

پزشکیان:

در برابر دشمن وا ندادیم اما برخی بی‌انصافی می‌کنند

رئیس‌جمهوری با بیان اینکه توافق نامه پس از بحث‌های کارشناسی عمیق و با منطق تنظیم شده است، تصریح کرد: این توافق‌نامه با عزت، قدرت و با در نظر گرفتن اصولی که رهبری شهید در نظر داشتند پیش رفت. ما در برابر دشمنان وا ندادیم، اما برخی حرف‌هایی می‌زنند که بی‌انصافی است، کنار کود نشستند و می‌گویند لنگش کن.

به گزارش ایسنا، مسعود پزشکیان در «سی‌ونهمین اجلاس رؤسای آموزش‌وپرورش سراسر کشور» که امروز ۲۵ مرداد برگزار شد با گرامیداشت یاد و خاطره شهدای دانش‌آموز میناب و رهبر شهید انقلاب، اظهار کرد: رهبر شهید همواره هادی و راهنمای دولت بودند، اما متأسفانه ایشان و دانش‌آموزانمان به دست سفاکان عالم و مدعیان دروغین دموکراسی به شهادت رسیدند. رئیس‌جمهوری با بیان اینکه تمام مدیران، معاونان و معلمان آیت‌دستاران ایران هستند، افزود: اقدامات معلمان و آموزگاران باعث می‌شود آینده ایران ساخته شود.

پزشکیان با یادآوری خاطره‌ای از دوره جوانی و حضور در جلسات قرائت قرآن، ادامه داد: پس از اینکه نسبت به مفاهیم آیات قرآن آگاهی عمیقی پیدا کردم به این درک رسیدم ابتدا باید در ذهن فرزندان و انسان اطلاعاتی شکل بگیرد تا بتواند مبتنی بر آن مسیر موفقیت را بییابد. تمامی آیات قرآن مسیر زندگی را به ما می‌آموزد؛ چنانچه مبتنی بر این آموزه‌ها گام برداریم و زندگی کنیم می‌توانیم به بی‌نهایت دست یابیم. به این دلیل که خدایند در اوج خلایقت، علم، زیبایی قرار دارد و هر کس در این مسیر باشد هیچ انتهای را برای رسیدن به اهدافش در نظر نخواهد گرفت.

نیاید در دنیا از کسی عقب بمانیم

وی با تأکید بر اینکه پذیرش وضع موجود باعث ایستایی و توقف می‌شود به نقد عقب‌ماندگی در ابعاد گوناگون پرداخت و تصریح کرد: در ایران سرمایه‌های فراوانی داریم که اگر به آنها توجه کنیم نباید در دنیا از کسی عقب بمانیم. طبیعتاً برای بهترین شدن باید تلاش و کوشش کرد. ضرورت دارد فضای آموزش‌وپرورش به گونه‌ای باشد تا مفاهیمی همچون عدالت‌جویی، کارآمدی، مهارتی، تقویت روحیه مشارکت جمعی، کار گروهی و بهترین بودن را به دانش‌آموزان بیاموزد.

عدالت این نیست به دانش‌آموزانی که خانواده‌ای توانمندی دارند محدود شویم

پزشکیان در تشریح مفهوم عدالت آموزشی توجه به تمام اقشار جامعه و به‌طور خاص دانش‌آموزان مناطق محروم گفت: در زمینه توسعه عدالت آموزشی ضرورت دارد حاکمیت به تمام طبقات اجتماعی و اقشار جامعه توجه داشته باشد و نیازهای آنها را ببیند؛ در این صورت است که عدالت به درستی اجرا می‌شود. عدالت این نیست به دانش‌آموزانی که شرایط ویژه و خانواده‌های توانمندی دارند محدود شویم.

نیاید در کل کشور کسی را ناامید کنیم

رئیس‌جمهوری دستاوردهای موجود در فضای تعلیم و تربیت را شایسته توصیف کرد و کیفیت‌بخشی جامع آموزش‌وپرورش را خواستار شد و اظهار کرد: شما مدیران و معاونان در نظام تعلیم و تربیت جایگاه مؤثری دارید؛ بنابراین تمرکز بر توانمندی حل مسئله، کار تیمی، برقراری ارتباط آسان، ایجاد ساختار آموزشی مبتنی بر کار گروهی را به دانش‌آموزان آموزش دهید. هر دانش‌آموز استعدادی دارد و چنانچه این استعدادها به قالب یک گروه اقدام کنند در زمینه حل مسائل پیروز خواهیم شد. همه با یکدیگر می‌توانیم مملکت خود را آباد کنیم. نباید در کل کشور کسی را ناامید کنیم. نگاه خود را به سمت بهتر شدن و تغییر شرایط تغییر دهیم تا ایرانی سربلند، الهام‌بخش و با عزت داشته باشیم.

وی با انتقاد از متکی بودن به نفت، وجود افراد توانمند در مدارس را مهم‌ترین ثروت و سرمایه اجتماعی نامید و یادآور شد: اسرائیل جانیکتار که افرادی از سراسر جهان در آن حضور دارند، کل خاورمیانه را به ناآرامی کشانده است و اقدامات مخرب خود را با پشتیبانی قدرت‌ها انجام می‌دهد. در این شرایط سرمایه‌گذاری علمی و همه‌جانبه بر روی فرزندان و تلاش برای ساختن آینده آنها اقدامی ضروری است. معادن و صنایع انرژی هستند تا در دست تنگیان ما و فرزندان ایران باشند. افتخار اصلی ما نیروی انسانی و فرزندانمان به شمار می‌آید؛ پس در کنار سایر مؤلفه‌هایی که نام برده شد، به دانش‌آموزان خدمت به کشور، زندگی کردن، مسئولیت‌پذیری و باور به اینکه تمام گر‌ها را می‌توان با اتحاد و انسجام گذشود، بیاموزید.

وقتی جاده‌ها قتلگاه می‌شوند و جیب‌ها، چاه ویل!

خودروهایی که پسر مردم را تر آورده است!

بود؛ همیشه گفتیم حواسش نبود. اما حقیقت این است که ۲۰ هزار خانواده هر سال اعضای خود را نه فقط به خاطر «خطای راننده»، بلکه به خاطر «بی‌دفاع بودن خودرو» از دست می‌دهند. خودروهایی که به جای محافظت از جان، تبدیل به قفس‌های مرگ شده‌اند.

فصل دوم: نوزاد شصت‌ساله‌ای که پیرمان کرد!

بیش از نیم قرن از آغاز صنعت خودرو در ایران می‌گذرد. در تمام این سال‌ها، به بهانه «حمایت از تولید داخلی» و «نوزاد بودن این صنعت»، دیوار تعرفه‌ها را بالا بردیم و خودشان را بر قنات پبستیم. اما حالا این نوزاد ۶۰ ساله، به غولی تبدیل شده که تغذیه‌اش از جیب و جان مردم است. سقاب اصفهانی با طعنه‌ای تلخ می‌گوید: «مشکل این نوزاد از شیر نیست، مشکل از جای دیگر است.» این «جای دیگر»، همان انحصار و مدیریت ناکارآمدی است که باعث شده خودروی مونتاژی چینی را به قیمتی گزاف به مردم بفروشیم، در حالی که اگر درهای کشور باز بود، خودروی اصیل و باکیفیت ژاپنی با قیمتی ارزان‌تر به دست مصرف‌کننده می‌رسید. فکرش را بکنید؛ مردم ایران هزینه‌ی یک «لکسوس» یا «تویوتا» را پرداخت می‌کنند، اما سوار بر خودروهایی می‌شوند که تکنولوژی‌شان متعلق به قرن گذشته است یا کی‌های دست‌چندم و بی‌کیفیت از برندهای نوظهور منطقه را بر عهده کشورهای متحدش قرار دهد، وزن صنعتی که هیچ‌گاه نخواست بزرگ شود.

فصل سوم: موتورِ که بنزین را نمی‌سوزاند، می‌بلعد!

بحران بنزین در ایران، بیش از آنکه حاصل «مصرف زیاد مردم» باشد، حاصل «اشتباهی سیری‌ناپذیر موتورها» است. معاون رئیس‌جمهور دست روی نقطه حساسی گذاشته

عصر یک روز گرم مردادماه است. در ترافیک کلافه‌کننده پایتخت، جایی که بوی تند بنزین نیم‌سوخته با گرمای آسفالت گره خورده، چشمم به ردیف خودروهایی می‌افتد که گویی از تاریخ منجمد دهه‌های پیش به خیابان پرتاب شده‌اند. خودروهایی که سال‌هاست نام «صنعت ملی» را یک می‌کشند، اما حالا صدای اعتراض‌ها از دیوارهای بلند کارخانه‌ها فراتر رفته و به طبقات بالایی پاستور رسیده است.

همین چند روز پیش بود که «اسماعیل سقاب اصفهانی»، معاون رئیس‌جمهور، در کلامی بی‌برده و تکان‌دهنده، بغض چندین‌ساله مصرف‌کنندگان را فریاد زد: «باید تکلیف خودروسازهایی که پدر همه را درآورده‌اند، روشن شود.» اما این «پدر درآوردن» فقط یک اصطلاح عامیانه نیست؛ یک تراژدی تمام‌عیار ملی است که در سه فصل «مرگ»، «غارت» و «اتلاف» روایت می‌شود.

فصل اول: بیست هزار صندلی خالی

تصورش هم لرزه بر اندام می‌اندازد: سالی ۲۰ هزار انسان. یعنی هر سال، به اندازه جمعیت یک شهر کوچک، زیر آهن‌پاره‌های بی‌کیفیت دفن می‌شوند. سقاب اصفهانی آمار تکان‌دهنده‌ای را روی میز گذاشته است: «نرخ مرگ‌ومیر جاده‌ای ما سه برابر ترکیه است، در حالی که جمعیت و تعداد خودروهایمان مشابه است.» روایت تلخ اینجاست که ما همیشه تسخیر را گردن «خطای انسانی» می‌انداذیم. پلیس می‌گوید خواب‌آلودگی، جاده می‌گوید سرعت غیرمجاز؛ اما کسی نمی‌پرسد چرا در یک تصادف مشابه، راننده «تویوتا کروالا» در جاده‌های آتکرا با چند خراش از ماشین خارج می‌شود، اما راننده خودروی بی‌کیفیت در اتویان قم، زیر سقف مجاله شده خودرو، جان می‌سپارد؟

معاون رئیس‌جمهور به درستی اشاره می‌کند که ما هیچ‌وقت نگفتیم خودرو بی‌کیفیت